

بررسی فرایندهای ساخت واژه در مطبوعات سیاسی دهه ۱۳۸۰ ایران

واژگان کلیدی

- * واژه‌سازی
- * واژه‌آفرینی
- * اشتقاق ترکیب
- * واژه‌سازی پسانحوی
- * مطبوعات سیاسی

سمیرا ونکی * samiravanaki@yahoo.com

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

چکیده

رسانه‌ها از جمله مطبوعات، از عناصر موثر در روابط سیاسی و فرهنگی جوامع هستند و در انتقال و آموزش زبان نقش بسزایی دارند. هدف از پژوهش حاضر بررسی فرایندهای واژه‌سازی در مطبوعات سیاسی برمبنای دیدگاه بوی (۲۰۰۷) می‌باشد. روش این پژوهش، تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. در این پژوهش از میان ژانرهای مختلف در مطبوعات، ژانر سیاسی انتخاب و سپس از بین روزنامه‌های موجود در دهه ۸۰، سه روزنامه‌ی پرتیراژ کیهان، ابرار و همشهری انتخاب و از بین آنها ۶۵۰ واژه استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. براساس آرای بوی (۲۰۰۷) فرایندهای ساخت واژه به دو گروه فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین فرایندهای واژه‌سازی شامل ترکیب و اشتقاق است. سرواژه‌سازی، کوتاه‌سازی و آمیزش نیز در طبقه‌ی فرایندهای واژه‌آفرینی قرار می‌گیرند. با توجه به تعداد زیاد وام‌واژه‌ها در مطبوعات سیاسی، به پدیده‌ی وام‌گیری نیز پرداخته می‌شود. در این پژوهش براساس داده‌های موجود مشاهده شد که علاوه بر فرایندهای فوق، فرایند واژه‌سازی پسانحوی و همچنین فرایند بسیار زایای اشتقاق ترکیب نیز در امر ساخت واژه نقش دارند بنابراین، این دو فرایند نیز به گروه اول، یعنی فرایندهای واژه‌سازی افزوده می‌شوند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که فرایندهای ترکیب، اشتقاق، اشتقاق ترکیب، واژه‌سازی پسانحوی و به میزان بسیار کمتری کوتاه‌سازی، آمیزش و سرواژه‌سازی در ساخت واژه‌های جدید در مطبوعات سیاسی دخیل هستند، هم‌چنین وام‌واژه‌ها کاربرد بسیاری در جراید سیاسی دارند. بررسی‌ها و شواهد آماری بیانگر آن است که میان توزیع درصد فراوانی فرایندهای واژه‌سازی با بیشترین درصد فراوانی و فرایندهای واژه‌آفرینی با کمترین درصد فراوانی تفاوت قابل توجهی وجود دارد.

۱. مقدمه

زبان نوعی ابزار تبادل اجتماعی است که افراد به واسطه‌ی آن تجربیات، افکار و اندیشه‌های خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. در واقع زبان از جمله نیازهای مهم تمام جوامع انسانی قلمداد می‌شود که از طریق آن، اعضای جامعه می‌توانند با یکدیگر رابطه و تعامل برقرار نمایند. از آنجایی که یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان برقراری ارتباط با هم‌نوعان خویش است، با پیشرفت فن‌آوری، تحول در ارتباطات و به تبع آن دگرگونی در نیازهای انسان حس می‌گردد. از این‌رو، رسانه‌های گروهی نقش عمده‌ای را در این امر ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها که عمدتاً به سه گروه نوشتاری، گفتاری و تصویری تقسیم می‌شوند به عنوان عامل نیرومند و وسیله‌ی ارتباطی، در سرگرم کردن، آگاهی‌بخشی و خبررسانی به افراد جامعه نقش به‌سزایی دارند. رسانه‌ها به وسایل انتقال پیام از فرستنده به مخاطب یا مخاطبان مثل روزنامه، کتاب، رادیو-تلویزیون، ماهواره، فن‌آوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات گفته می‌شوند (دادگران، ۱۳۷۸: ۶). کرایگ^۱ رسانه‌ها را «کارگزاری واسطه‌ای» برای برقراری ارتباطات توصیف می‌کند (۲۰۰۴: ۳). گاهی از اصطلاح رسانه برای اشاره به ابزار ارتباطات استفاده می‌شود (مانند رسانه‌های چاپی)؛ برخی مواقع نیز مقصود از آن شکل‌هایی فنی است که این ابزارها به کمک آنها فعلیت می‌یابند؛ مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، کتاب، عکس، فیلم، موسیقی. رسانه در معنای کاربردی آن عموماً به صورت جمع (Media) به کار می‌رود و معنای آن وسایل ارتباطات جمعی نظیر رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات و رسانه‌های مختلف چاپی و الکترونیک است که شمار زیادی از مخاطبان را تحت تاثیر قرار می‌دهند (ابوالحسنی و بابایی، ۱۳۹۱: ۳-۲). زبانی که در رسانه مورد استفاده قرار می‌گیرد مستقیم یا غیر مستقیم به عنوان الگو در میان مخاطبان رایج می‌شود. رواج فوری و گسترده واژگان و حتی لحن‌های به کار رفته در برنامه‌های رادیو و تلویزیون در میان مردم نشانه روشن این الگوسازی است. این واقعیت در میان سایر رسانه‌ها نیز صادق است، حتی از یک جهت مطبوعات در این زمینه موثرترند و آن جنبه ثبت و ماندگاری آنهاست. حفظ و تقویت همبستگی ملی از طریق ترویج زبان رسمی و مشترک، یکی از کارکردهای رسانه‌هاست (منصوری شاد، ۱۳۹۱: ۱۵).

از آنجایی که واژه‌ها در مطبوعات می‌توانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیشترین تاثیر را بر خوانندگان القا نمایند و از نظر معنا، پیام خاصی را به مخاطب منتقل کنند، بدین ترتیب با

¹ Craig

بررسی یکی از مهم‌ترین موضوع‌های زبان‌شناسی یعنی واژه‌سازی در مطبوعات می‌توان به نقش واژه در انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط با اقشار مختلف جامعه پی‌برد. برای این منظور، در پژوهش حاضر به بررسی انواع فرایندهای ساخت واژه در مطبوعات سیاسی دهه ۱۳۸۰ ایران در چارچوب دیدگاه بوی^۱ (۲۰۰۷) پرداخته و فرایندها و قواعد حاکم بر ساخت واحدهای واژگانی تازه را در این رسانه نشان می‌دهد.

واژه‌سازی به عنوان بخشی از دستگاه صرف که بر امر ساخت واژه‌های جدید نظارت دارد همواره مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان علاقه‌مند به این حوزه قرار داشته و پژوهش‌ها و مطالعاتی نیز در این زمینه صورت گرفته است. بائر^۲ (۱۹۸۳) صرف را به دو بخش تصریف^۳ و واژه‌سازی^۴ تقسیم کرده است و اشتقاق^۵ و ترکیب^۶ را زیر شاخه‌های واژه‌سازی قلمداد می‌کند. او اشتقاق را تشکیل واژه‌های جدید از طریق وندافزایی^۷ تعریف می‌کند. متیوز^۸ (۱۹۹۱) واژه‌سازی را شاخه‌ای از صرف تلقی می‌کند که با روابط بین واژه‌ای پیچیده و واژه‌ای ساده سروکار دارد. به عنوان مثال trying واژه‌ای پیچیده است که به واژه‌ی ساده‌ی try مربوط می‌شود. پلاگ^۹ (۲۰۰۲) ضمن معرفی انواع وند در زبان انگلیسی، فرایندهای واژه‌سازی را شامل وندافزایی و فرایندهای بدون وندافزایی^{۱۰} می‌داند که عبارتند از تبدیل^{۱۱}، صرف نوایی^{۱۲}، اختصار^{۱۳} و سرواژه‌سازی^{۱۴}. پلاگ صرف نوایی را فرایندی می‌داند که در تعیین ساختار واژه‌های پیچیده، با تعامل اطلاعات زبرزنجیری و صرفی سروکار دارد. وی کوتاه‌سازی^{۱۵} و

¹G. Booij

²L. Bauer

³Inflection

⁴Word-formation

⁵Derivation

⁶Compounding

⁷Affixation

⁸P. H. Matthews

⁹I. Plag

¹⁰Non-affixational processes

¹¹Conversion

¹²Prosodic morphology

¹³Abbreviation

¹⁴Acronym

¹⁵Clipping

آمیزش^۱ را دو نوع فرایند واژه‌سازی در زبان انگلیسی در نظر می‌گیرد که عناصر زبرزنجیری در آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. کوتاه‌سازی فرایندی است که در آن فقدان داده‌های آوایی در واژه‌ی مشتق، بیانگر رابطه میان واژه‌ی مشتق و واژه‌ی پایه است:

صورت کامل

Elizabeth
Amanda

واژه‌ی کوتاه‌شده

Liz
Mandy

کاتامبا^۲ و استونهام^۳ (۲۰۰۶) در بحث فرایندهای واژه‌سازی به اشتقاق، وندافزایی چندگانه^۴، ترکیب و تبدیل اشاره می‌کنند. آن‌ها وندافزایی چندگانه را روش‌های ساخت واژه‌های پیچیده بر اساس تکواژهای اشتقاقی می‌دانند. در واقع در این فرایند چند وند در مراحل مختلف به ریشه افزوده می‌شود؛ به عنوان نمونه، وندافزایی در واژه‌ی *contradictoriness* در چند مرحله صورت می‌گیرد طوری که برون داد یک مرحله از وندافزایی درون داد مرحله‌ی بعدی است. در مثال فوق، در مرحله‌ی اول پیشوند *contra-* به ریشه *dict* – متصل می‌شود و فعل *contradict* را می‌سازد. در مرحله‌ی دوم، پسوند *-ory* به فعل *contradict* متصل شده، صفت *contradictory* را ساخته و در مرحله‌ی سوم، پسوند *-ness* به صفت *contradictory* اضافه شده و اسم *contradictoriness* را می‌سازد. کاتامبا و استونهام ترکیب را از دیگر فرایندهای واژه‌سازی معرفی می‌کنند که در آن واژه‌ی مرکب حداقل از دو واژه یا دو تکواژ ساخته می‌شود. گاهی واژه‌ها به تنهایی با هم ترکیب می‌شوند مانند واژه‌ی *teapot* و گاهی یک پایه همراه با وند در این فرایند شرکت می‌کند مثل واژه‌ی *er* [dress] [hair]. واژه‌های مرکب می‌توانند از طریق ترکیب یا وندافزایی یا ترکیبی از هر دو فرایند شکل گیرند. تبدیل را نیز روش واژه‌سازی بدون تغییر صورت واژه می‌دانند. به عنوان مثال، *head* هم به عنوان اسم و هم به عنوان فعل

^۱Blending

^۲F. Katamba

^۳J. Stonham

^۴Multiple affixation

به کار می‌رود. تبدیل را اشتقاق صفر^۱ نیز می‌نامند که در قیاس با وندافزایی صفر در صرف تصریفی، زیرمجموعه‌ی وندافزایی تلقی می‌شود.

شقاقی به فرایندهای واژه‌سازی و انواع آن در زبان فارسی می‌پردازد. وی معتقد است سه فرایند ترکیب، اشتقاق و تکرار از فرایندهای زبانی واژه‌سازی محسوب می‌شوند. فرایند اشتقاق را وندافزایی نیز می‌نامد و برحسب پسوند یا پیشوند بودن وندافزوده‌شده، آن را فرایند پسوندافزایی یا پیشوندافزایی نیز می‌نامد. به اعتقاد شقاقی فرایند ترکیب از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند واژه‌ی بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ دستوری یا دو واژه‌ی غیربسیط، واژه‌ی جدیدی می‌سازد (۱۳۸۶: ۹۱). سپس واژه‌های مرکب را به انواع مختلفی طبقه‌بندی کرده و معیارهایی برای تشخیص واژه‌ی مرکب ارائه می‌دهد. وی فرایندی که در آن برای ساخت واژه‌ی جدید از هر دو فرایند اشتقاق و ترکیب استفاده می‌شود را «اشتقاق ترکیب^۲» می‌نامد. شقاقی هر یک از فرایندهای ترکیب، اشتقاق و اشتقاق ترکیب را با توجه به این که ساخت واژه‌ی جدید طی مراحلی و یا به یک‌باره ساخته شود به انواع پایگانی^۳ و ناپایگانی^۴ تقسیم می‌کند. وی فرایند تکرار را به دو گروه تقسیم‌بندی می‌کند: چنانچه واژه‌ای با تکرار کامل پایه ساخته شود آن را «تکرار کامل یا مرکب مکرر» می‌نامد که خود به انواع افزوده و نافزوده تقسیم می‌شود. و چنانچه فقط قسمتی از پایه تکرار شود «تکرار ناقص» نامیده می‌شود (همان: ۹۳-۱۰۰). ایشان علاوه بر فرایندهای فوق که در امر واژه‌سازی نقش فعالی دارند به فرایندهای واژه‌سازی بدیع، تبدیل، کوتاه‌سازی، ترخیم، پسین‌سازی، سرواژه‌سازی، آمیزش و گسترش استعاری نیز اشاره می‌کند که از زبانی کمتری برخوردارند (همان: ۱۰۳-۱۱۰). کلباسی واژه در زبان فارسی را از نظر ساخت اشتقاقی به سه دسته بسیط^۵، مرکب^۶ و مشتق^۷ تقسیم‌بندی کرده است. از نظر وی واژه‌های بسیط معادل واژه‌های آزادند، بنابراین خود فاقد ساخت صرفی هستند و تنها به عنوان عناصر بسیط می‌توانند در

^۱Zero derivation

^۲Derivation-compounding

^۳Hierarchical

^۴Non- hierarchical

^۵Simple

^۶Compound

^۷Complex

ساخت‌های صرفی، پایه واقع شوند؛ مانند نیک، کار. واژه‌های مرکب از دو یا چند واژک آزاد ساخته شده‌اند؛ مانند نیکدل، کم‌کار. واژه‌های مشتق از ترکیب یک یا چند واژک آزاد با یک یا چند وند اشتقاقی ساخته شده‌اند؛ مانند نیکدلی، کم‌کاری، کارگری. در مثال‌های فوق نیک، دل، کم واژک آزاد و -ی، -گر وند اشتقاقی‌اند. وی می‌افزاید فرایند ترکیب در زبان فارسی فرایندی «پایگانی» است، بدین معنی که واژه‌ی غیربسیطی که از این فرایند حاصل می‌شود خود می‌تواند در ساخت واژه‌ی غیربسیط دیگر پایه واقع شود؛ مانند کم‌کار در کم‌کاری (۱۳۸۸: ۳۵-۳۶). کلباسی یکی از مشکلات موجود در بررسی‌های صرفی را تشخیص واژه‌های مرکب از گروه‌های نحوی قلمداد می‌کند. وی «گروه نحوی» را مجموعه‌ای از واژه‌ها می‌داند که باهم در جمله نقش یک واژه را به عهده می‌گیرند، در حالی که هرکدام از آن واژه‌ها استقلال خود را حفظ می‌کنند؛ مانند روز روشن، به آهستگی، آب آشامیدن. وی برای تشخیص واژه‌های مرکب از گروه‌های نحوی سه ملاک ارائه می‌دهد: (۱) واژه‌ی مرکب مانند واژه‌ی بسیط دارای یک تکیه است، (۲) درنگ میان اجزای واژه‌ی مرکب ممکن نیست و (۳) وابسته‌های دستوری یا قاموسی بین اجزای واژه‌ی مرکب نمی‌آیند (همان: ۳۶-۳۷). از نظر کلباسی واژه‌های مشتق در زبان فارسی دو دسته‌اند: «مشتق فعلی» که واژه‌ی غیربسیطی است که با یکی از پیشوندهای فعلی ساخته شده باشد؛ مانند دررفته، بازجو، و «مشتق غیرفعلی» که واژه‌ی غیربسیطی گفته می‌شود که با یکی از وندهای اشتقاقی غیرفعلی ساخته شده باشد؛ مانند کم‌کاری، گلدان. هم‌چنین با ذکر این مطلب که وندهای اشتقاقی نقش واژه‌سازی دارند، عنوان می‌کند که وندهای اشتقاقی به سه دسته پیشوند، میانوند و پسوند تقسیم‌بندی می‌شوند که در زبان فارسی پیشوند و پسوند اشتقاقی وجود دارد ولی میانوند (چه اشتقاقی و چه تصریفی) وجود ندارد (همان: ۸۱-۸۲).

۲. پیشینه پژوهش

همان‌طور که پیشتر عنوان شد مطالعه راجع به واژه‌سازی و بررسی فرایندهای آن، از حوزه‌های مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده که درخصوص واژه‌سازی در رسانه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. اوجی (۱۳۷۴) با بررسی دقیق مقاله‌هایی که به بحث درباره‌ی کاربرد زبان در جامعه و وسایل ارتباط جمعی پرداخته‌اند، به پژوهش درباره‌ی واژه‌های قرصی اروپایی رایج در بخش‌های خبری مطبوعات، رادیو و تلویزیون پرداخته و بسامد آن‌ها را مشخص کرده است. وی در این پژوهش با اشاره به گسترش رسانه‌های گروهی، تاثیر این رسانه‌ها بر گفتار و نوشتار

مردم را خاطرنشان می‌سازد. اوجی بیش از نهمصد واژه‌ی قرضی که از بین روزنامه‌های کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات و همشهری و همین‌طور پنج هزار دقیقه از اخبار رادیو و تلویزیون استخراج کرده بود را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد از واژه‌های اروپایی که در خبر رسانه‌های گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرند، واژه‌های فرانسوی هستند. عراقی یزدان‌پرست (۱۳۸۱) الگوهای واژه‌سازی را در عناوین خبری و مطالب مربوط در جراید، در چارچوب صرف اشتقاقی بررسی کرده و نیز میزان پراکندگی واژه‌ها را از نظر ساخت اشتقاقی مشخص کرده است. منابع مورد پژوهش از ۱۲ روزنامه پرتیراژ کشور انتخاب شده‌اند و عناوین خبری و مطالب مربوطه در ۷۸ شماره از هر کدام (ماه‌های تیر، مرداد و شهریور ۱۳۸۰) مورد بررسی قرار گرفتند. وی حدود ۲۰۰۰ واژه‌ی گردآوری‌شده از عناوین خبرها و مطالب مربوط به آن‌ها را به سه دسته بسیط، مرکب و مشتق دسته‌بندی و شمارش کرده است. سپس واژه‌های مرکب را به دو دسته فعلی و غیرفعلی طبقه‌بندی و شمارش کرده و آن‌گاه انواع واژه‌های مرکب فعلی را تقسیم‌بندی کرده است. او در نهایت، انواع واژه‌های مشتق را به سه دسته دارای پیشوند فعلی، دارای پسوند فعلی و دارای پسوند عربی طبقه‌بندی و شمارش کرده است. ابوالحسنی و پوشنه (۱۳۹۰: ۱۵) بر اساس نظریه‌ی بائر (۱۹۸۳) به بررسی تطبیقی فرایندهای واژه‌سازی در برخی متون سیاسی روزنامه‌های فارسی در دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۷۰ پرداخته‌اند. از بین روزنامه‌های موجود، دو روزنامه‌ی کثیرالانتشار اطلاعات و کیهان را برای دهه‌ی ۱۳۴۰ و روزنامه‌های همشهری، اطلاعات، کیهان و ابرار را برای دهه‌ی ۱۳۷۰ انتخاب کرده‌اند؛ بدین ترتیب در هر سال، برحسب تصادف، سه متن را- که به‌طور میانگین چهل واژه داشتند- برگزیده و داده‌های آنها را بررسی کرده؛ سپس به تحلیل فرایندهای واژه‌سازی دخیل در هر یک از داده‌های موجود در متن‌ها پرداخته و آن‌گاه همه‌ی فرایندهای موجود در واژه‌ها شامل ترکیب، اشتقاق، ترکیب‌اشتقاق، قرض‌گیری، ترجمه قرضی، سرواژه‌سازی، ابداع، تبدیل، اشتقاق پسرو، صورت‌های آمیخته و ترخیم را شمارش و ثبت کرده‌اند. در نهایت توزیع و فراوانی هر یک از فرایندهای واژه‌سازی در متون سیاسی روزنامه‌ها را در هر دو دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۷۰ ارائه کرده‌اند.

ریندو هندایانی^۱ (۲۰۱۸) به بررسی انواع واژه سازی در مقالات سیاسی روزنامه جاکارتا پست^۲ پرداخته است. این مطالعه یک مطالعه توصیفی کیفی است که از روش اسناد و مدارک استفاده شده است. هدف از این مطالعه کشف فرایندهای واژه‌سازی است که در مقاله‌های سیاسی حاوی کلمات سیاسی روزنامه جاکارتا پست بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مقالات مورد بررسی براساس موضوعات سیاسی روز که بیشتر راجع به آنها بحث شده بود، انتخاب شدند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که ۹۵ واژه سیاسی در مقالات سیاسی روزنامه جاکارتا پست یافت شد که از بین آنها ۷۵ واژه به دلیل طبقه واژگانی‌شان، توسط فرایندهای واژه‌سازی مورد تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفتند و ۲۰ واژه دیگر به دلیل اینکه در چارچوب معیارهای پژوهش حاضر قرار نداشتند، در شمار فرایندهای واژه‌سازی گنجانده نشدند. انواع فرایندهای واژه‌سازی در این تحقیق شامل: ۴۸ واژه مشتق، ۱۱ واژه مرکب و ۱۴ واژه مربوط به فرایند کوتاه‌شدگی و ۲ واژه نیز به تغییر مقوله اختصاص داشت. این پژوهش نشان می‌دهد که فرایند اشتقاق پرکاربردترین فرایند واژه‌سازی مورد استفاده در روزنامه جاکارتا پست است. اری پودین^۳ و لیانا فوجی لستاری^۴ (۲۰۱۹) در تحقیق خود بر مبنای آرای اوگرادی^۵ (۱۹۹۶) در امر واژه‌سازی، به بررسی واژه‌های مرکب در عناوین روزنامه ریپابلیکا^۶ پرداختند. که در این پژوهش به این نتیجه رسیدند از میان ۹۶ واژه مرکب مورد بررسی، ۷۰ واژه درون‌مرکز بوده و از شفافیت معنایی برخوردارست و ۲۶ واژه دیگر از دسته واژه‌های مرکب برون‌مرکز به‌شمار می‌آیند که از شفافیت معنایی برخوردار نیستند.

۳. روش پژوهش

روش این پژوهش، روشی تحلیلی است و سعی به عمل آمده تا با ارتباط میان مفاهیم مختلف به مقایسه آن‌ها با یکدیگر، نتیجه‌گیری و استدلال نیز پرداخته شود. روش گردآوری اطلاعات نیز روش کتابخانه‌ای بوده و جز در مواردی که برای هدایت موضوع لازم بوده، از ذکر آمار و اعداد خودداری شده است. رجوع به منابع دست اول، اصلی‌ترین منبع کسب اطلاعات می‌باشد. نگارنده برای دستیابی به این منابع که شامل کتب حقوقی، اسناد، معاهدات، قراردادهای

^۱R. Handayani

^۲The Jakarta Post

^۳Eripuddin

^۴L. Fuji Lestari

^۵W. O'Grady

^۶Republika

قوانین، مدارک و آئین‌نامه‌ها و همچنین منابع دست دوم هم‌چون گزارشات، نشریات، اخبار و اطلاعاتی که در زمینه بررسی و شناسایی بررسی فرایندهای ساخت واژه در مطبوعات سیاسی دهه ۱۳۸۰ ایران در اینترنت موجود می‌باشد به کتابخانه‌ها و مراکز علمی عیدیه‌ای از جمله کتابخانه ملی ایران، کتابخانه دانشگاه تهران و ... مراجعه نموده است. در این پژوهش از میان ژانرهای مختلف در مطبوعات، ژانر سیاسی انتخاب شد و سپس از بین روزنامه‌های موجود سه روزنامه‌ی پرتیراژ کیهان، ابرار و همشهری انتخاب و دهه ۸۰ آنها مورد بررسی قرار گرفت. چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای آرای بوی (۲۰۰۷) قرار دارد، لذا طبقه‌بندی داده‌ها بر این اساس شکل می‌گیرد وی (۲۰۰۷: ۱۹-۲۰) فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی^۱ را دو گروه اصلی فرایندهای ساخت واژه می‌داند که وجه تمایز این دو فرایند را در قاعده‌مندی بیشتر واژه‌سازی نسبت به واژه‌آفرینی عنوان می‌کند. او فرایندهای واژه‌سازی را جزو نظام صرفی قلمداد کرده که آن را به دو گروه اشتقاق و ترکیب تقسیم می‌کند. ترکیب را پرکاربردترین شیوه‌ی واژه‌سازی در بسیاری از زبان‌های دنیا می‌داند که از به هم پیوستن واژه‌ها به منظور ساخت واژه‌ای بزرگتر شکل می‌گیرد. به باور او زایایی فرایند ترکیب در اکثر زبان‌ها تا حدود زیادی بستگی به شفافیت معنایی آن دارد. نکته‌ای که در مورد واژه‌های مرکب تازه‌شکل‌گرفته وجود دارد این است که گویشور زبان، معنای اجزای سازنده آن را می‌داند تنها کاری که باید انجام دهد درک روابط معنایی بین دو جزء است. وی هم‌چنین به تکرارپذیر بودن فرایند ترکیب که منجر به شکل‌گیری واژه‌های مرکب طولانی می‌شود نیز اشاره می‌کند. واژه‌های حاصل از اشتقاق را به لحاظ مقوله‌ی واژگانی متفاوت از مقوله‌ی واژه‌ی پایه دانسته و می‌افزاید واژه‌های مشتق از طریق فرایندهای وندافزایی، تبدیل، دوگان‌سازی^۲ و پسین‌سازی^۳ ساخته می‌شود. بوی در ساخت واژه‌های پیچیده علاوه بر منبع صرفی به سه منبع غیرصرفی

^۱ Word creation

^۲ Reduplication

^۳ Back formation

وام‌گیری^۱، تبدیل عبارت به واژه^۲ و واژه‌آفرینی نیز اشاره می‌کند. که واژه‌آفرینی را به فرایندهایی نظیر آمیزش، سرواژه‌سازی، الفباسازی^۳ و کوتاه‌سازی تقسیم‌بندی می‌کند.

۴. تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش به بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش می‌پردازیم. ابتدا برمبنای نظر بوی (۲۰۰۷) به فرایندهای واژه‌سازی و سپس به تحلیل فرایندهای واژه‌آفرینی پرداخته و در آخر بحث وام‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر، در بخش واژه‌سازی، علاوه بر ترکیب و اشتقاق، دو فرایند دیگر واژه‌سازی پسانحوی و اشتقاق ترکیب (وجود دو فرایند ترکیب و اشتقاق در ساخت یک واژه) نیز در میان داده‌ها مشاهده شد از این رو، این دو فرایند به بخش واژه‌سازی افزوده شدند. در زیر روند ترتیب بررسی فرایندهای ساخت واژه ارائه شده است.

الف. واژه‌سازی:

۱. ترکیب، ۲. اشتقاق، ۳. اشتقاق ترکیب، ۴. واژه‌سازی پسانحوی

ب. واژه‌آفرینی:

۱. کوتاه‌سازی، ۲. آمیزش، ۳. سرواژه‌سازی

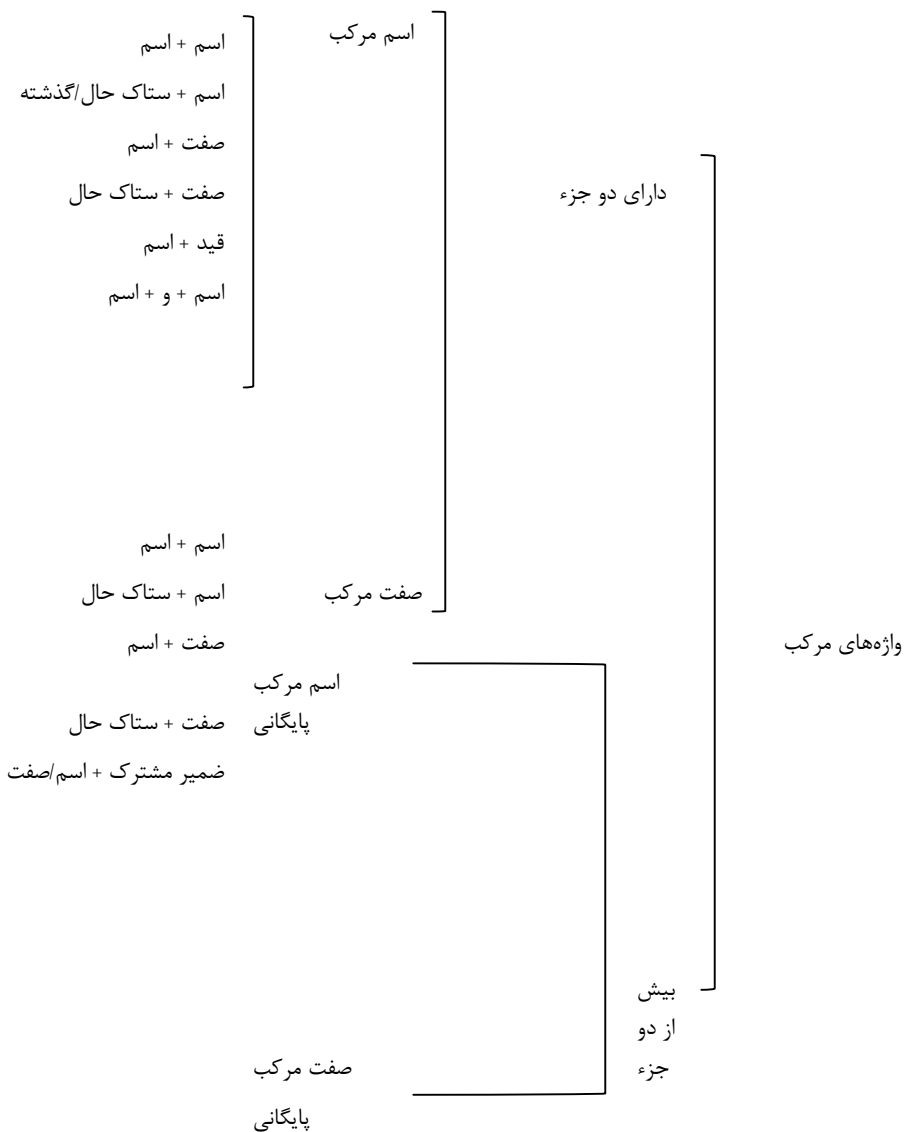
¹Borrowing

²Univerbation

³Alphabetism

ج. وام‌گیری

۱-۴- فرایندهای واژه‌سازی



نمودار ۱: انواع واژه‌های مرکب در مطبوعات سیاسی دهه‌ی ۸۰

جدول ۱: ساختار و تعداد واژه‌های مرکب دو جزئی

تعداد	واژه نمونه	ساختار واژه‌ی مرکب	واژه‌ی مرکب (دو جزئی)
۲۰	دولت‌مرد	اسم + اسم	اسم مرکب
۱۵	مردم‌نهاد	اسم + ستاک حال/گذشته	
۱	نخست‌وزیر	صفت + اسم	
۲	چپ‌گرا	صفت + ستاک حال	
۲	هم‌پیمان	قید + اسم	
۸	برنامه‌و‌بودجه	اسم + و + اسم	
۵	صلح‌دوست	اسم + اسم	صفت مرکب
۵۲	اصلاح‌طلب	اسم + ستاک حال	
۹	پرتنش	صفت + اسم	
۷	کج‌اندیش	صفت + ستاک حال	
۴	خودگردان	ضمیر مشترک + اسم/صفت	

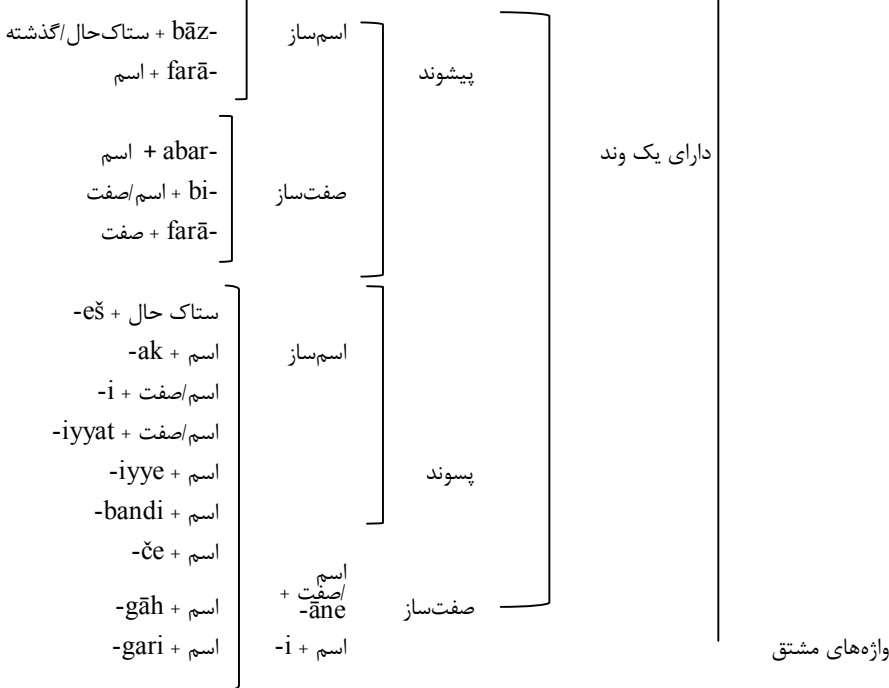
جدول ۲: ساختار و تعداد واژه‌های مرکب بیش از دو جزء

تعداد	واژه نمونه	ساختار واژه‌ی مرکب	واژه مرکب (بیش از دو جزء)
۱	امیرسرتیپ	۱. اسم (سر) + اسم (تیپ): اسم مرکب ۲. اسم (امیر) + اسم مرکب (سرتیپ)	اسم مرکب پایگانی
۴	هرج‌ومرج‌طلب	۱. اسم + و + اسم: اسم مرکب (هرج‌ومرج) ۲. اسم مرکب (هرج‌ومرج) + ستاک حال (طلب)	صفت مرکب پایگانی

با توجه به نمودار شماره ۱ در این پژوهش مجموع ۱۳۱ واژه‌ی مرکب مورد بررسی به دو گروه دارای دو جزء و بیش از دو جزء تقسیم شدند که با بررسی داده‌ها

مشخص شد از بین این دو گروه، بیشترین میزان واژه‌سازی در واژه‌های مرکب دارای دو جزء صورت گرفته است. با توجه به جدول ۱ در همین گروه نیز که واژه‌ها در دو مقوله‌ی اسم و صفت مورد بررسی قرار گرفتند مشخص شد که واژه‌سازی در صفت مرکب (با ۷۷ واژه) بیشتر از مقوله‌ی اسم (با ۴۸ واژه) صورت گرفته است. در صفت‌های مرکب دو جزئی ساختار اسم + ستاک حال با ۵۲ واژه بیشترین و ساختار ضمیر مشترک + اسم/صفت و اسم + اسم هر کدام با ۴ و ۵ واژه پس از ساختارهای صفت + اسم و صفت + ستاک حال کمترین میزان واژه‌سازی را دارند. از بین شش ساختاری که اسم مرکب دو جزئی را شکل می‌دهند ساختار اسم + اسم با ۲۰ واژه بیشترین و قید + اسم و صفت + ستاک حال هر کدام با ۲ واژه و صفت + اسم با یک واژه کمترین میزان واژه‌سازی را دارند. علاوه‌براین، واژه‌های مرکبی که بیش از دو جزء دارند با میزان بسیار کمتری نسبت به مجموع واژه‌های مرکب دو جزئی، در مقوله‌های اسم (۱ واژه) و صفت (۴ واژه) و فقط به شیوه‌ی پایگانی واژه‌سازی در آن‌ها صورت گرفته است.

نمودار ۲: انواع واژه‌های مشتق در مطبوعات سیاسی دهه‌ی ۸۰



جدول ۳: نوع و تعداد پیشوندها در واژه‌های مشتق دارای یک وند

نوع وندافزایی	وند	واژه نمونه	تعداد واژه‌های مشتق
پیشوند اسم‌ساز	bāz-	بازپرس	۲
	farā-	فراسیاست	۲
پیشوند صفت‌ساز	bi-	بی‌طرف	۶
	farā-	فراملی	۱
	abar-	ابر قدرت	۱

جدول ۴: نوع و تعداد پسوندها در واژه‌های مشتق دارای یک وند

نوع وندافزایی	وند	واژه نمونه	تعداد واژه‌های مشتق
پسوند اسم‌ساز	-eš	خیزش	۵
	-ak	کلاهک	۳
	-i	جمهوری	۶
	-iyyat	حاکمیت	۲۱
	-iyye	اجرائیه	۴
	-bandi	جناح‌بندی	۴
	-če	ناوچه	۱
	-gāh	قرارگاه	۵
	-gari	کنسول‌گری	۵
پسوند صفت‌ساز	-āne	مسئولانه	۵
	-i	انقلابی	۲۴
	-ine	نهادینه	۱
	-gar	بیدارگر	۲۲
	-mand	هنجارمند	۷
	-vār	جهش‌وار	۱

جدول ۵: ساختار و تعداد واژه‌های مشتق بیش از یک وند

نوع وندافزایی	ساختار واژه مشتق	واژه نمونه	تعداد واژه‌های مشتق
اسم مشتق پایگانی	صفت (ستاک حال + (-g)i-	بالندگی	۴۳
صفت مشتق پایگانی	۱. اسم (بسیج) + i- : صفت ۲. +bi- صفت (بسیجی): صفت مشتق	بی‌بسیجی	۷
اسم مشتق ناپایگانی	+farā- ستاک حال + i-	فرافکنی	۷

در پژوهش حاضر ۱۸۳ واژه‌ی مشتق مورد مطالعه قرار گرفت که به دو گروه دارای یک وند و بیش از یک وند طبقه‌بندی شده‌اند. واژه‌های مشتق دارای یک وند به دو گروه پیشوندهای اسم‌ساز و صفت‌ساز و پسوندهای اسم‌ساز و صفت‌ساز تقسیم شده‌اند. در بخش پیشوندافزایی تعداد صفت‌های حاصل از این فرایند با نسبت ۸ به ۴ کمی بیشتر از اسم‌های مشتق است. در بخش پسوندافزایی، مجموع واژه‌های حاصل از پسوندهای صفت‌ساز ۶۰ واژه است و واژه‌های حاصل از پسوندهای اسم‌ساز ۵۴ واژه است. همان‌طور که در جدول‌های ۳ و ۴ مشاهده می‌شود تعداد پسوندها در این دسته از واژه‌ها به مراتب بیشتر از پیشوندهاست و این بدین معنی است که فرایند پسوندافزایی بیشتر از پیشوندافزایی رخ داده است، و در واقع تعداد واژه‌های حاصل از فرایند پسوندافزایی به مراتب بیشتر از واژه‌های مشتق حاصل از پیشوندافزایی است. واژه‌های مشتقی که بیش از یک وند دارند به دو گروه پایگانی و ناپایگانی تقسیم شده‌اند که میزان فراوانی اسم‌های مشتق پایگانی (۴۳ واژه) نسبت به صفت‌های این گروه (۷ واژه) بسیار بیشتر است و در بخش ناپایگانی تنها ۷ مورد اسم مشتق مشاهده شد. در این بررسی مشخص شد که صفت‌های مشتقی که در میان داده‌ها وجود دارند همگی پایگانی هستند و هیچ موردی از صفت مشتق ناپایگانی مشاهده نشد.

در پژوهش حاضر اشتقاق ترکیب در دو مقوله‌ی اسم و صفت مورد بررسی قرار گرفت. از بین تمام داده‌های جمع‌آوری شده، واژه‌های حاصل از این فرایند نسبت به فرایندهای دیگر با مجموع ۲۱۵ واژه بیشترین فراوانی را دارند. واژه‌هایی که از طریق اشتقاق ترکیب ساخته

می‌شوند بر حسب روش ساختشان به دو گروه پایگانی و ناپایگانی تقسیم می‌شوند. آنچه در این بررسی مشاهده شد مبنی بر این است که فراوانی واژه‌های ساخته‌شده به شیوه‌ی پایگانی در دو مقوله‌ی اسم و صفت به مراتب بیشتر از واژه‌هایی است که در این دو مقوله به شیوه‌ی ناپایگانی ساخته شده‌اند.

بیشتر واژه‌های مشتق مرکب بررسی‌شده در این پژوهش دارای ساختار صفت مرکب + /i- هستند نظیر: جدایی‌طلبی، مردم‌فریبی، استیلاجویی، چپ‌گرایی که ساختار صفت مرکب از ترکیب اسم یا صفت با ستاک حال شکل گرفته است. ستاک‌های حال به کاررفته در این واژه‌ها عبارتند از: گرا، گذار، طلب، ساز، انداز، انگیز، آفرین، جو، ستیز، افکن، زدا، ورز، فریب، پرست، زن، گو، خوار، خواه، شناس، ده، آزما، شکن، تراش، پذیر، اندیش، رو، دار، افروز، گریز، انگار، پرداز، کن، بر، گیر، گستر و نگر.

اما واژه‌های مشتق مرکب دیگری مشاهده شد که ساختار متفاوتی از این ساختار زایا دارند. به عنوان مثال در واژه‌های چندحزبی و چندملیتی که از ترکیب اسم و صفت ساخته شده‌اند، ابتدا از ترکیب اسم (حزب) و یا صفت (ملی) به ترتیب با پسوند /i- و /iyyat- صفت (حزبی و ملیت) ساخته می‌شود و در ادامه واژه‌ی دیگری از مقوله‌ی اسم یا صفت با این صفت مشتق ترکیب شده و واژه‌ی مشتق مرکب می‌سازد. در این واژه در مرحله‌ی نخست وندافزایی صورت گرفته بعد ترکیب باعث شکل‌گیری واژه‌ی مشتق مرکب شده است.

در برخی موارد از ترکیب اسم مشتق و ستاک حال صفت مشتق ساخته می‌شود. به عنوان مثال در واژه‌ی جمهوری خواه، نخست اسم مشتق (جمهوری از ترکیب اسم + /i- ساخته شده سپس ستاک حال (خواه) با آن ترکیب شده و صفت مشتق مرکب ساخته شده است (اول اشتقاق بعد ترکیب).

در دو مورد مشاهده شد که صفت مشتق مرکب از ترکیب یک صفت مشتق با ستاک حال شکل گرفته است. در واژه‌ی بی‌ثبات ساز، صفت مشتق (بی‌ثبات) از ترکیب پیشوند /bi- با اسم (ثبات) و در دوگانه/اندیش، صفت مشتق (دوگانه) از ترکیب عدد (دو) با پسوند /-g)āne/ ساخته شده است. سپس این صفت‌های مشتق به ترتیب با ستاک‌های حال (ساز و اندیش) ترکیب می‌شوند.

واژه‌هایی نظیر امرپذیری، لشکرکشی، مسجدپردازی، پیام‌گزاری، رأی‌گیری، جهت‌گیری، جبهه‌گیری، انتقام‌گیری، ارزش‌گذاری، گفتمان‌سازی، هدفمندسازی، جنجال‌سازی،

عادی‌سازی، در دسته اسم‌های مشتق‌مرکب ناپایگانی قرار می‌گیرند که در آنها هر سه جزء سازنده واژه بطور همزمان با هم ترکیب می‌شوند که ساختار آنها در جدول ۴ نشان داده شده است.

صفت مشتق‌مرکب از ترکیب هم‌زمان اسم + پیشوند + ستاک حال ساخته می‌شود نظیر: واژه‌ی مناقشه‌برانگیز که از ترکیب هم‌زمان اسم (مناقشه) + پیشوند /bar- + ستاک حال (انگیز) ساخته شده‌اند. سایر صفت‌هایی که با این ساختار ساخته شده‌اند عبارتند از: چالش‌برانگیز، شبهه‌برانگیز

اسم + /nā- + ستاک حال ساختار دیگری برای ساخت صفت‌های مشتق‌مرکب ناپایگانی است که در واژه‌های زیر مشاهده شد:

تردیدناپذیر، آشتی‌ناپذیر، خلل‌ناپذیر، تخطی‌ناپذیر، تسخیرناپذیر، اجتناب‌ناپذیر و همچنین ساختار اسم + ستاک حال + /-āne/ صفت‌های تلافی‌جویانه، آشتی‌جویانه را شکل داده است.

جدول ۶: ساختار و تعداد واژه‌های مشتق‌مرکب

تعداد واژه مشتق‌مرکب	واژه نمونه	ساختار صرفی واژه مشتق‌مرکب (نمونه)	واژه مشتق‌مرکب	نحوه شکل‌گیری واژه
۱۴۰	خودگردانی	۱. ضمیر مشترک + صفت: صفت‌مرکب ۲. صفت‌مرکب (خودگردان) + -i	اسم	پایگانی
۳۵	جمهوری‌خواه	۱. اسم + -i: اسم‌مشتق ۲. اسم‌مشتق (جمهوری) + ستاک حال	صفت	
۲۹	کناره‌گیری	اسم + e + - ستاک حال + -i	اسم	ناپایگانی
۱۱	مناقشه‌برانگیز	اسم + bar- + ستاک حال	صفت	

در میان داده‌های موجود در این پژوهش، واحدهای واژگانی مشاهده می‌شوند که بر اثر فرایندهای صرفی واژه‌سازی ساخته نشده‌اند، بلکه ساخت این گونه واحدها پس از بخش نحو یا به عبارتی واژه‌سازی پس‌انحوی صورت گرفته است. همان‌گونه که ساسانی و آفتابی (۱۳۹۰: ۱۱۱) نیز عنوان کرده‌اند، برخی از واحدهای واژگانی زبان فارسی پس از نحو شکل می‌گیرند

که می‌توان آن‌ها را بر اساس درون‌داد فرایند واژه‌سازی به انواع مختلف طبقه‌بندی کرد که عبارتند از ترکیب‌های نحوی با درون‌داد گروه حرف‌اضافه‌ای، درون‌داد گروه اسمی، درون‌داد گروه اسمی به اضافه‌ی گروه حرف‌اضافه‌ای، درون‌داد صورت‌های تصریف‌شده‌ی فعل و درون‌داد جمله. هر کدام از این واحدهای واژگانی می‌توانند دوباره در فرایندهای واژه‌سازی صرفی یا غیرصرفی دیگر به کار روند و واژه‌های پسانحوی جدیدتری را شکل دهند.

واحدهای واژگانی پسانحوی با درون‌داد حرف‌اضافه‌ای شامل:

مواضع آمریکا در آستانه‌ی **ازسرگیری** مذاکرات هسته‌ای.

روزهای **به‌یادماندنی** و افتخارآمیز زیادی وجود دارد.

ایجاد **به‌هم‌ریختگی** در محیط بین‌المللی آینده‌ی تیره‌ای را روی جهان ترسیم می‌کند.

مواردی از گروه‌های اسمی متشکل از ترکیب اضافی هستند که دوسویه عمل می‌کنند یعنی هم با کسره‌ی اضافه به کار می‌روند و هم بدون آن که نمونه‌هایی از آن در جدول آورده شده است.

جدول ۷: واحدهای پسانحوی دوسویه با درون‌داد گروه اسمی

گروه اسمی	ترکیب اسمی پسانحوی
ولایت فقیه	ولایت فقیه
رئیس جمهور	رئیس جمهور
جبهه‌ی مشارکت	جبهه‌ی مشارکت
قوه‌ی قضائیه	قوه‌ی قضائیه
تشخیص مصلحت	تشخیص مصلحت
اتحادیه‌ی اروپا	اتحادیه‌ی اروپا
وزیر دفاع	وزیر دفاع
وزیر کشور	وزیر کشور
حاکمیت ملی	حاکمیت ملی
تمامیت ارضی	تمامیت ارضی

در این بخش، نمونه‌هایی از واحدهای پسانحوی ارائه می‌شود که در آن‌ها یک اسم و یک گروه حرف‌اضافه‌ای با هم ترکیب شده و تکیه روی هجای آخر این واحد واژگانی شده قرار می‌گیرد. سومین دور مذاکرات ایران و ۱+۵ (پنج به علاوه‌ی یک) آغاز شد.

تجلیل از فداکاران دوران جنگ و سربازان جان‌برکف اسلام.
با عهدشکنی مقابله به مثل می‌کنیم.

جدول ۶ میزان فراوانی واحدهای واژگانی پسانحوی با سه درون‌داد مختلف نشان داد شده است که از بین آن‌ها در بخش واژه‌سازی پسانحوی با درون‌داد گروه اسمی، نسبت به دو بخش دیگر که تعداد ساخت واژه در آن‌ها برابر بوده، بیشترین واژه‌سازی صورت گرفته است.

جدول ۸: واژه‌سازی پسانحوی

تعداد واژه پسانحوی	واژه نمونه	ساختار پسانحوی
۳	از سر گیری	درون‌داد گروه حرف اضافه‌ای
۱۸	ولایت فقیه	درون‌داد گروه اسمی
۳	پنج به علاوه یک	درون‌داد گروه اسمی+گروه حرف اضافه‌ای

۲-۴- فرایندهای واژه‌آفرینی

در فرایند کوتاه‌سازی برای ساختن واژه، از واژه یا عبارت پایه یک یا چند واژه و یا هجا کاسته می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). برای نمونه با اعمال فرایند کوتاه‌سازی بر عبارت سازمان همکاری‌های اکو، جایگاه آغازی این عبارت (سازمان همکاری‌های) حذف شده و فقط صورت کوتاه‌سازی شده‌ی اکو باقی مانده است. در جدول زیر واژه‌هایی که بر اثر این فرایند شکل گرفته‌اند، آورده شده است.

جدول ۹: فرایند کوتاه‌سازی

صورت کوتاه‌شده	صورت کامل
آمریکا	ایالات متحده‌ی آمریکا
اکو	سازمان همکاری‌های اکو

در سرواژه‌سازی با کنارهم گذاشتن حروف اول واژه‌های سازنده‌ی یک عبارت، واژه‌ی جدیدی ساخته می‌شود که به صورت یک واژه قابل تلفظ است، مانند سیبا (سیستم یک پارچه‌ی بانکی)

(شقاقی، ۱۳۸۶ : ۱۰۸). در جدول زیر دو نمونه از سرواژه‌هایی که در متون مطبوعاتی کاربرد دارند آورده شده و در مقابل هرکدام صورت کامل آن‌ها نوشته شده است.

جدول ۱۰: سرواژه‌سازی

سرواژه	صورت کامل فارسی
ساواک	سازمان امنیت و اطلاعات کشور
نزاجا	نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

در فرایند آمیزش از ترکیب اولین بخش یک واژه با دومین بخش واژه دیگر واژه‌ای جدید به دست می‌آید (بوی، ۲۰۰۷: ۲۰). در این فرایند بخش‌هایی از دو واژه حذف شده و آنچه باقی می‌ماند با هم ترکیب شده و یک واژه‌ی جدید می‌سازد، مانند *توانیر* (تولید + انتقال نیرو) (آشوری، ۱۳۸۷: ۷۶).

جدول ۱۱: آمیزش

واژه‌ی آمیخته	صورت کامل
رزمایش	رزم + آزمایش
هوانیروز	هواپیمایی + نیروی + زمینی

۳-۴- وام‌گیری

بوی (۲۰۰۷: ۱۹) وام‌گیری را خارج از عملکردهای صرفی زبان به عنوان یکی از روش‌های گسترش واژگان توصیف می‌کند. گرچه وام‌گیری زیرمجموعه‌ی فرایندهای واژه‌سازی یا واژه‌آفرینی قلمداد نمی‌شود، اما از آنجایی که شمار زیادی از واژه‌های به‌کاررفته در مطبوعات سیاسی وام‌واژه‌اند که یا در طبقه‌ی واژگان و اصطلاحات سیاسی قرار می‌گیرند و یا به یک موضوع خاص سیاسی اشاره دارند، نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد بنابراین، در این پژوهش به پدیده‌ی وام‌گیری نیز پرداخته می‌شود که واژه‌های به‌دست‌آمده از فرایند وام‌گیری در چهار بخش وام‌گیری اسم و صفت، وام‌گیری به‌شکل سرواژه‌سازی و وام‌گیری به‌شکل الفباسازی شده، به طور مجزا بررسی می‌شوند که در ادامه وام‌گیری اسم‌ها و به شکل سرواژه‌سازی ارائه می‌شود.

در جدول زیر واژه‌های قرضی غربی که در مطبوعات مشاهده شده، آورده شده است که در مقابل هر یک معادل اصلی آن‌ها ذکر شده است. در بین واژه‌هایی که در این‌جا مطرح شده،

واژه‌هایی نیز هستند که در شمار واژه‌های مخصوص مطبوعات سیاسی قرار نمی‌گیرند اما ممکن است در بافتی خاص و یا در کنار واژه‌هایی دیگر به یک موضوع سیاسی خاص اشاره داشته باشند از این‌رو، در طبقه‌ی واژه‌های مربوط به جراید سیاسی گنجانده شده‌اند.

جدول ۱۲: وام‌گیری اسم‌ها

معادل اصلی	واژه
commission	کمیسیون
convention	کنوانسیون
strategy	استراتژی
pragmatism	پراگماتیسم
candidate	کاندیدا
reactor	راکتور

واژه‌های قرضی عربی از مقوله‌ی اسم به شرح زیر است:

نمونه‌ها: سوق الجیشی، فصل الخطاب، ضرب الاجل

تمام سرواژه‌هایی که در جدول زیر آورده شده؛ نظیر اکو، ناتو و ... همان سرواژه‌های انگلیسی است که در متون مطبوعاتی با همان تلفظ انگلیسی، اما به خط فارسی نوشته می‌شوند. سرواژه‌های *ایسنا*، *ایرنا* و *ایلنا*، گرچه نام خبرگزاری‌های ایرانی داخل کشور هستند اما به دلیل این‌که سرواژه‌هایی‌اند که از حروف اول عبارت‌های انگلیسی گرفته شده‌اند بنابراین در این طبقه‌بندی جای می‌گیرند.

جدول ۱۳: وام‌گیری به شکل سرواژه‌سازی

سرواژه	معادل انگلیسی	صورت کامل فارسی	صورت کامل انگلیسی
اوپک	OPEC	سازمان کشورهای صادرکننده نفت	Organization of the Petroleum Exporting Countries

North Atlantic Treaty Organization	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی	NATO	ناتو
Economic Cooperation Organization	سازمان همکاری‌های اقتصادی	ECO	اكو
Islamic Students' News Agency	خبرگزاری دانشجویان ایران	ISNA	ایسنا

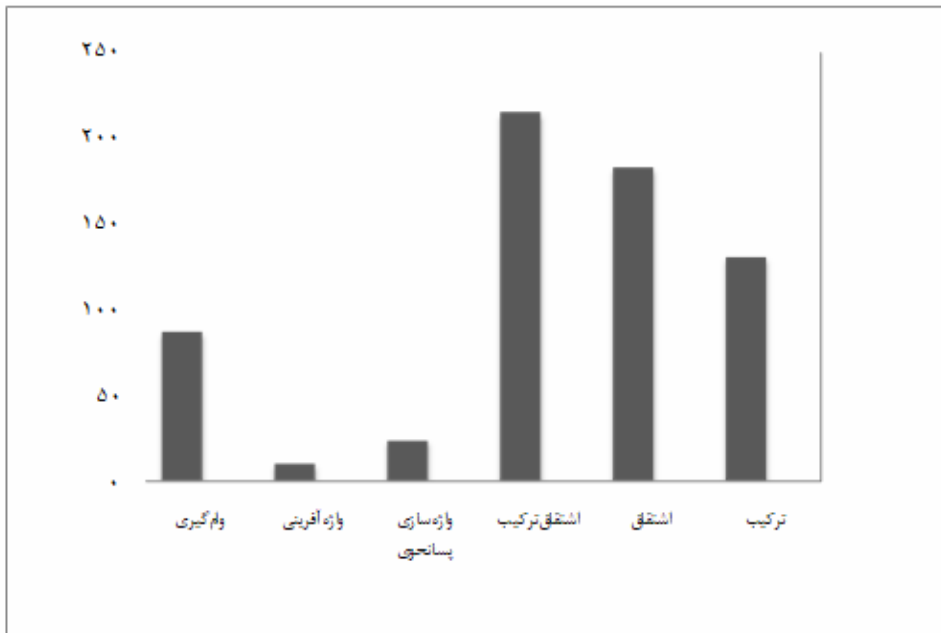
در این پژوهش از سه روزنامه‌ی کثیرالانتشار همشهری، ابرار و کیهان در دهه‌ی ۱۳۸۰، ۶۵۰ واژه جمع‌آوری و به لحاظ فرایندهای ساختِ واژه بر اساس دیدگاه بوی (۲۰۰۷) مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین دو فرایند اصلی ساختِ واژه در این پژوهش فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی هستند. با توجه به جدول ۱۲ و نمودار میله‌ای ۳ میزان فراوانی هر یک از فرایندهای به‌کاررفته در این پژوهش بدین شرح است:

از بین فرایندهای واژه‌سازی، اشتقاق ترکیب نسبت به سه فرایند دیگر بیشترین فراوانی را داشته و پس از آن اشتقاق و سپس ترکیب قرار دارد. وام‌گیری گرچه جزو فرایندهای ساختِ واژه قلمداد نمی‌شود اما به لحاظ میزان فراوانی در مرتبه‌ی چهارم قرار می‌گیرد. سپس آخرین طبقه از فرایندهای واژه‌سازی یعنی واژه‌سازی پسانحوی و پس از آن فرایندهای واژه‌آفرینی با کمترین میزان فراوانی در رده‌های آخر قرار می‌گیرند.

در جدول ۱۳ و نمودار دایره‌ای ۴ میزان فراوانی و درصد فرایندهای ساختِ واژه در مطبوعات سیاسی دهه‌ی ۸۰ ایران نشان داده شده است. فرایند واژه‌سازی با مجموع ۵۵۳ واژه‌ی ساخته‌شده، ۸۵/۰۸٪ از میزان ساختِ واژه را در مطبوعات این دهه به خود اختصاص داده است. دیگر فرایند ساختِ واژه یعنی واژه‌آفرینی با میزان واژه‌سازی بسیار کم تنها ۱/۵۴٪ در ساختِ واژه‌های جرید سیاسی نقش داشته است. وام‌گیری گرچه جزو فرایندهای ساختِ واژه محسوب نمی‌شود اما به دلیل کاربرد بالای وام‌واژه‌ها و این‌که وام‌گیری پس از فرایند واژه‌سازی با ۱۳/۳۸٪ در مطبوعات سیاسی بیشترین کاربرد را داشته است در این بررسی کلی لحاظ شد. جدول ۱۲: فرایندهای متون سیاسی روزنامه‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ ایران

درصد	فراوانی	نوع فرایند
۲۰/۱۵٪	۱۳۱	ترکیب
۲۸/۱۵٪	۱۸۳	اشتقاق
۳۳/۰۸٪	۲۱۵	اشتقاق ترکیب
۳/۶۹٪	۲۴	واژه‌سازی پسانحوی
۱/۵۴٪	۱۰	واژه‌آفرینی
۱۳/۳۸٪	۸۷	وام‌گیری

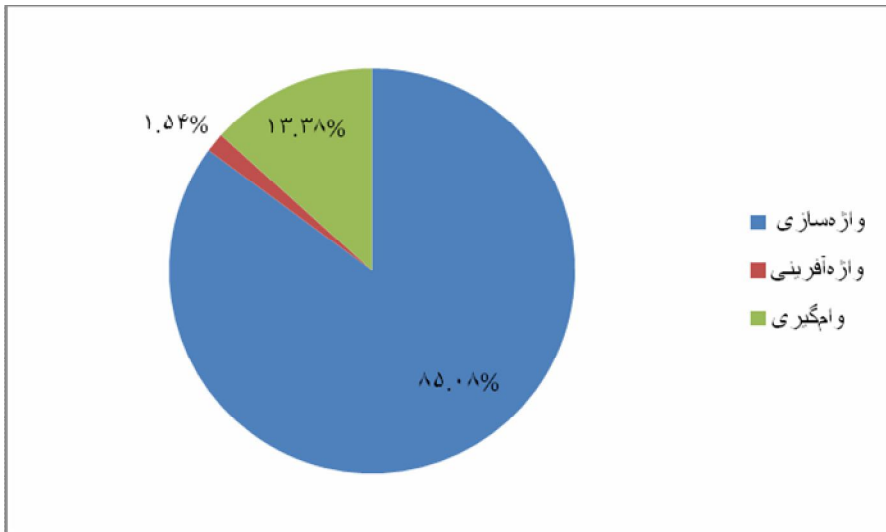
نمودارمیله‌ای ۳: فرایندهای متون سیاسی روزنامه‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ ایران



جدول ۱۳: فرایندهای ساختِ واژه در مطبوعات سیاسی دهه‌ی ۸۰

درصد	فراوانی	نوع فرایند
٪۸۵/۰۸	۵۵۳	واژه‌سازی
٪۱/۵۴	۱۰	واژه‌آفرینی
٪۱۳/۳۸	۸۷	وام‌گیری

نمودار دایره‌ای ۴: فرایندهای ساختِ واژه در مطبوعات سیاسی دهه‌ی ۸۰



۵. نتیجه

در نگاه کلی به یافته‌های این پژوهش، از میان فرایندهای دخیل در ساخت واژه مورد بررسی در این تحقیق، بخش اعظم ساخت واژه به‌عهده‌ی فرایندهای واژه‌سازی است که بیشترین درصد واژه‌سازی به ترتیب در (۱) اشتقاق ترکیب، (۲) اشتقاق و (۳) ترکیب صورت گرفته است. پس از این سه فرایند، با اختلاف زیادی واژه‌سازی پسانحوی و فرایندهای واژه‌آفرینی در ساخت واژه در روزنامه‌های سیاسی دخیل هستند.

از بین دو فرایند اصلی، واژه‌آفرینی سهم چندانی در ساختِ واژه نداشته است طوری‌که تنها ۱۰ واژه از مجموع ۶۵۰ واژه‌ی مورد بررسی از طریق این فرایند ساخته شده است، بنابراین واژه‌آفرینی فرایند پرکاربردی در مطبوعات سیاسی محسوب نمی‌شود.

واژه‌سازی پسانحوی در طبقه‌ی فرایندهای واژه‌سازی قرار گرفت. به نظر می‌رسد این فرایند در گونه‌ی گفتاری بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در زبان نوشتار رسمی کاربرد چندانی ندارد. در واقع، این ساخت‌ها در متن‌های سیاسی به‌صورت گروه نحوی به‌کار می‌روند اما معمولاً خوانندگان این متن‌ها، آن‌ها را به شکل واژه تلفظ می‌کنند. به این ترتیب به لحاظ

درصد واژه‌سازی نسبت به دیگر فرایندهای واژه‌سازی کاربرد بسیار کمتری داشته و در مرتبه‌ی آخر این گونه از فرایندها قرار می‌گیرد.

از دیگر نتایج این پژوهش وجود وام‌واژه‌های فراوان در مطبوعات سیاسی است. در نتیجه‌ی ارتباط بین کشورها و فرهنگ‌ها، پیشرفت روزافزون تکنولوژی و ورود مسائل و موضوعات جدید در حوزه‌های علمی، فرهنگی، فن‌آوری، سیاسی، اقتصادی و نظامی بر بخش واژگان زبان تأثیر به‌سزایی گذاشته و کاربرد فراوانی پیدا کرده است. بنابراین جراید و رسانه‌ها، تحت تأثیر هجوم اطلاعات جدید ناگزیر از به‌کار بردن وام‌واژه‌ها هستند. مطبوعات سیاسی نیز از این امر مستثنی نیستند و وام‌واژه‌های فراوانی در این رسانه کاربرد دارد. در تمام فرایندهای مورد بررسی در این پژوهش، پدیده‌ی وام‌گیری به‌لحاظ درصد کاربرد پس از فرایند اشتقاق‌ترکیب، اشتقاق و ترکیب قرار می‌گیرد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۲)، *پیرامون نثر فارسی و واژه‌سازی، بازنندیشی زبان فارسی*، تهران، نشر مرکز.
- اوجی، علی (۱۳۷۴)، *پژوهشی در واژه‌های قرصی اروپایی در خبر رسانه‌های گروهی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ابوالحسنی، زهرا و آتنا پوشنه (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی فرایندهای واژه‌سازی در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۷۰ ه.ش در ژانر سیاسی مطبوعات»، *دو فصل‌نامه علمی - پژوهشی زبان‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- ابوالحسنی، سید رحیم و محمد بابایی (۱۳۹۱)، «رویکردی نظری به رابطه رسانه و سیاست»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۴)، *مبانی ارتباط جمعی*، نشر مروارید.
- روزبه، خسرو و مسعود معنوی (۱۳۸۱)، *واژه‌های سیاسی*، تهران، انتشارات پژوهش.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، *واژه‌نامه‌ی فرهنگی سیاسی*، تهران، کتاب صبح.
- ساسانی، فرهاد و زهره آفتابی (۱۳۹۰)، «بررسی واژه‌سازی پسانحوی در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی صرف*، اسفند ۱۳۹۰، انجمن زبان‌شناسی ایران.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶)، *مبانی صرف*، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

عراقی یزدان پرست، پیمان (۱۳۸۱)، الگوهای واژه‌سازی در جراید، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

کلباسی، ایران (۱۳۸۸)، *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منصوری شاد، طیبیه (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های زبان مطلوب مطبوعات»، ماهنامه علمی، تخصصی *انجمن روابط عمومی ایران*، شماره ۸۳، تیر ۹۱.

نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۴)، *فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی*، تهران، نشر نی.

- Adams, V. (1973). *An introduction to modern English word formation*, London: Longman.
- Arnoff, M. and Fudeman, K. (2011). *What is morphology*, Blackwell publishing.
- Bauer, L. (1983). *English word formation*, Cambridge university press.
- Booij, G. (2007). *The Grammar of Words*, Oxford university press.
- Berridge G. R. and James (2001). *A Dictionary of Diplomacy* Palgrave publishing.
- Craig, G. (2004). *The Media, Politics and Public Life*. Australia: Allen & Unwin.
- Crystal, D. (1991). *A dictionary of Linguistics and phonetics*, Oxford: Blackwell.
- Eripuddin. And Fuji Lestari, L. (2019). *Compounding Words; Words Formation in Republika Newspapers*, Journal of English Education Vol. 5 No. 1 June 2019.
- Handayani, R. (2018). *An Analysis Of Word Formation Used In Political Articles*, LINGUIST Journal of Linguistics and Language Teaching Vol 4, Number 1, July 2018.
- Haspelmath, M. and Sims (2010). *Understanding Morphology* London: Arnold.
- Katamba, F. and Stonham, J. (2006). *Morphology*, Macmillan press.
- Matthews, P. H. (1991). *Morphology*, Cambridge university press.
- Plag, I. (2002). *Word-formation in English*, Cambridge university press.